

پژوهشی در باره دو زیارت ناحیه و زیارت رجبیه

محسن رنجبر^۱

چکیده: پژوهش حاضر به بررسی سندی و محتوایی سه زیارت از زیارات مربوط به امام حسین^(ع) یعنی دو زیارت ناحیه و زیارت رجبیه می‌پردازد و پس از معرفی اجمالی کهن‌ترین مصادر گزارش‌کننده آن زیارت، ابتدا به نقد و بررسی سندی هر یک و سپس در ادامه به بررسی محتوایی آن‌ها می‌پردازد و در پایان به این نتیجه رهنمون می‌سازد که اگرچه زیارات یاد شده از اعتبار سندی و محتوایی لازم جهت اثبات صدور آن‌ها از معصوم برخوردار نیست، اما به عنوان متونی که از سده ششم و هفتم برجای مانده است، قابل اعتنا و توجه است.

واژه‌های کلیدی: زیارت ناحیه، زیارت رجبیه، مزار کبیر، ابن مشهدی، امام حسین^(ع)، عاشورا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

A Study on Nahiya and Rajabiya Ziyarats

Mohsen Ranjbar¹

Abstract: This study examines the authenticity and content of two Ziyarats related to Imam Hussein (AS), i.e. Nahiya and Rajabiya Ziyarats. After a brief introduction of the oldest sources of the Ziyarats, the paper initially deals with reviewing each Ziarat in terms of authenticity and then goes on studying their contents. In the end, the study comes to the conclusion that although the mentioned Ziyarats do not have the necessary authenticity regarding being narrated by the infallible Imams, they are worth considering as the extant texts from the sixth and seventh centuries.

Keywords: Nahiya Ziyarat, Rajabiya Ziyarat, Al-mazar al-Kabir, Ibn-e- Mashhadi, Imam Hussein, Ashura

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1 Assistant Professor Of History Department, Iki Ranjbar@qabas.net

مقدمه

چنانکه می‌دانیم زیارات بسیاری در باره معصومان^(ع) به ویژه امام حسین^(ع) در مصادر زیارتی و منابع حدیثی شیعه وجود دارد که در این میان چون برخی از این زیارات همانند دو زیارت ناحیه و زیارت رجبیه، مشتمل بر بیان چگونگی به میدان رفتن و نبرد و کیفیت شهادت امام حسین^(ع) و یارانش و نیز نام‌ها و آمار آنان و مصائب اهل بیت^(ع) در روز عاشورا و برخی از نکات تاریخی دیگر است، به نظر رسید که در پژوهشی، اعتبار سندی و محتوایی آن‌ها مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا به این پرسش پاسخ داده شود که چه میزان می‌توان به محتوا و مباحث تاریخی این زیارات به عنوان منابع مأثور و صادره از معصوم، اعتماد و استناد و استشهاد کرد؟ بنابراین پژوهش حاضر به بررسی میزان اعتبار سه زیارت یاد شده در قالب نقد و بررسی سندی و دلالتی (محتوایی) می‌پردازد و به پرسش یاد شده، پاسخ مستدل می‌دهد.

پیش از پرداختن به اصل موضوع، تذکر این نکته در باره دو زیارت ناحیه لازم است که در کهن‌ترین منبع برجای مانده این دو زیارت، یعنی کتاب مزار کبیر ابن‌مشهدی، در ادامه زیارت نخست ناحیه، زیارت دیگری به همین نام اما مرسل، نقل شده است که در آن به بیان مصائب اهل بیت^(ع) در روز عاشورا و کیفیت شهادت امام حسین^(ع) پرداخته شده و به شیوه توصیف‌گونه، سلام بر آن حضرت و یارانش فرستاده شده است. بنابراین زیارت نخست ناحیه، به «زیارت شهدا» مشهور است و زیارت دوم همان زیارتی است که در ادامه و پس از زیارت اول، آمده است. از این رو جهت سهولت تعبیر، از دو زیارت یاد شده به ترتیب، به زیارت نخست ناحیه یا «زیارة الشهداء» و زیارت دوم ناحیه، یاد می‌شود.

۱. زیارت نخست ناحیه (مشهور به: «زیارة الشهداء یوم عاشوراء»)

کهن‌ترین منبع به جای مانده که این زیارت را گزارش کرده است، کتاب المزار الکبیر^۱ نگاشته

۱ محمدبن جعفر مشهدی (۱۴۱۹ق)، المزار الکبیر، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: نشر القیوم، صص ۴۸۵ - ۴۹۵. در این‌که مؤلف کتاب المزار الکبیر ابن‌مشهدی است یا کس دیگر، علامه مجلسی در چند جا از کتاب بحار الانوار، از وی تنها به «مؤلف المزار الکبیر» یاد کرده است، برای نمونه، ج ۵۲ ص ۳۸۱؛ ج ۵۳ ص ۱۷۳؛ ج ۹۷ صص ۱۲۴، ۲۱۱، ۲۲۲، ۳۰۴، ۲۸۱، ۳۱۰، ۳۵۳، ۳۷۷، ۳۹۴ و ۴۰۳؛ ج ۹۸، ص ۱۷، ۵۸، ۶۳، ۱۳۳، ۱۳۸ و ۱۶۵. اما در جای دیگر، با تردید نوشته است: المزار الکبیر، تألیف محمدبن مشهدی او السید فخر او بعض معاصرینهما من الافاضل الکبار، ج ۹۷، صص ۱۰۱ - ۱۰۲؛ و یا در جای دیگر نوشته است: المزار الکبیر المظنون آته من مؤلفات محمدبن مشهدی (محمدباقر مجلسی (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار^(ع)، ج ۹۷، بیروت: مؤسسة الوفاء، ص ۳۵۴). اما وی در چند جای دیگر، تصریح کرده است که مزار کبیر تألیف ←

محمد بن جعفر مشهدی (زنده تا ۵۹۴ق.)^۱ است. سپس سید ابن طاووس (م ۶۶۴ق.) آن را با تفاوت‌ها و اضافاتی^۲ در دو کتاب خود *اقبال الاعمال*^۳ و *مصباح الزائر*^۴ آورده است. مجلسی (م ۱۱۱۱ق.) نیز این زیارت را در *بحار الانوار* در دو جا به نقل از *اقبال الاعمال*^۵ آورده است. وی افزوده است که شیخ مفید و سید مرتضی این زیارت را در دو کتاب مزارشان و غیر آن دو بدون ذکر اسناد آن، جزء زیارات روز عاشورا آورده‌اند، اما ما در بخش زیارات مطلقه امام حسین^(ع) آوردیم، چون اخبار بر اختصاص این زیارت به زمان خاصی، دلالت ندارد.^۶

اما این که مجلسی ناقل زیارت را شیخ مفید نیز دانسته است،^۷ نگارنده با مراجعه و بررسی چاپ محقق کتاب مزار شیخ مفید، چنین زیارتی را نیافت.^۸

در بررسی و نقد این زیارت، به نقد سندی و محتوایی (دلالی) آن پرداخته می‌شود تا میزان اعتبار آن دانسته شود و شهرت صدور این زیارت از سوی حضرت حجت^(ع) در میان شیعه، مورد بررسی نقادانه قرار گیرد.

-
-
- ۱ ابن مشهدی است (همان، ج ۴۷، ص ۲۹۳، ج ۹۷، ص ۲۹۳ و ج ۹۹، ص ۱۰۴ و ۱۱۰). همچنین محدث نوری این کتاب را از تألیفات ابن مشهدی دانسته است (میرزا حسین نوری (۱۴۱۵ق.)، *خاتمه مستدرک الوسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث*، ج ۱ (جلد مسلسل: ۱۹)، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ج ۱، ص ۳۶۰ به بعد.
 - ۱ محسن بن علی (مشهور به «آقا بزرگ تهرانی» (۱۴۰۳ق.)، *النريعة الى تصانيف الشيعة*، ج ۳، بیروت: دارالاضواء، ج ۳، ص ۲۵۳.
 - ۲ برای نمونه، مقایسه شود نک: سید رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر ابن طاووس (۱۴۱۴ق.)، *الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۱، ص ۷۶؛ *بالمزار کبیر* (ص ۴۹۱) در باره عبدالله بن مسلم بن عقیل. همچنین در *اقبال الاعمال* (ص ۷۶) از شهیدی به نام «عبدالله بن مسلم بن عقیل» یاد شده است که نامی از او در *المزار کبیر* نیست.
 - ۳ سید ابن طاووس، *الاقبال بالاعمال*، ج ۳، ص ۷۳ - ۸۰.
 - ۴ ابن طاووس (۱۴۱۷ق.)، *مصباح الزائر*، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ج ۱، ص ۲۷۸ - ۲۸۶، بدون ذکر سند.
 - ۵ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۵، ص ۶۴ - ۷۳؛ ج ۹۸، ص ۲۶۹ - ۲۷۴.
 - ۶ همان، ج ۹۸، ص ۲۷۴.
 - ۷ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۹۸، ص ۳۱۷. چنانکه گفته است: قال الشيخ المفيد - قدس الله روحه - زيارة اخرى في يوم عاشوراء برواية اخرى، اذا اردت زيارته بها في هذا اليوم ففقد عليه و قل: السلام على آدم صفة الله ...
 - ۸ البته در نسخه‌های مخطوط از مزار منسوب به شیخ مفید که در کتابخانه آستان قدس رضوی (به شماره ۳۲۸۹) نگهداری می‌شود، این زیارت آمده است (صص ۲۰۵ - ۲۱۵). نگارنده با مطالعه و بررسی رونوشت این نسخه و مقایسه آن با مزار موجود شیخ مفید، به این نتیجه رسید که این نسخه از قدمت و اصالت لازم برخوردار نیست، به ویژه اگر به این نکته توجه شود که حجم و کمیت زیارات گردآوری شده در مزار شیخ مفید بر خلاف متن دو زیارت ناحیه، کوتاه و مختصر است، بنابراین نمی‌توان شیخ مفید را گردآورنده این کتاب مزار دانست. افزون بر این، در آغاز زیارت نسخه یاد شده، هیچ گونه اشاره‌ای به صدور آن از سوی ناحیه مقدسه نشده است. آغاز زیارت این گونه است: «زيارة أخرى للشهداء برواية أخرى في يوم عاشوراء، اذا اردت زيارة الشهداء على التفصيل في يوم عاشوراء، ففقد عند رجلي الحسين ...».

الف. بررسی سندی

محمد بن جعفر مشهدی، سلسله سند این زیارت را به دو طریق از حسن بن محمد طوسی (فرزند شیخ طوسی) نقل کرده است. نخست: ابوالفتح محمد بن محمد جعفریه از عمادالدین محمد بن ابوالقاسم طبری و او از ابوعلی حسن بن محمد طوسی. دوم که کوتاه تر است: ابو عبدالله حسین بن هبة الله بن رطبة از حسن بن محمد طوسی. اما حسن بن محمد طوسی؛ از پدرش ابو جعفر محمد [بن حسن] طوسی^۱ و او از ابو عبدالله محمد بن احمد بن عیاش^۲ (م ۴۰۱ ق.) و او از ابو میسور (ابو منصور) بن عبدالمنعم بن نعمان معادی نقل می کند که او گفت: در سال ۲۵۲ ق. هنگام وفات پدرم که من نوجوان بودم، نامه ای نوشتم و از حضرت ولی عصر^(ع) اجازه زیارت مولایم اباعبدالله^(ع) و زیارت شهدا را گرفتم. پس از سوی ناحیه مقدسه توسط شیخ محمد بن غالب اصفهانی، چنین زیارتی صادر شد.^۳

در باره اعتبار سند این زیارت باید گفت که سه نفر در سلسله سند این زیارت قرار گرفته اند که نمی توان وثاقت آنان را تأیید کرد:

۱. محمد بن احمد بن عیاش؛ ۲. ابو منصور بن عبدالمنعم بن نعمان بغدادی؛ ۳. محمد بن غالب اصفهانی
- اما در باره محمد بن احمد بن عیاش باید گفت که نجاشی او را درک کرده است و او از دوستان وی و پدرش بوده است و از او اخبار زیادی را شنیده است، اما چون استادان نجاشی او را تضعیف کرده اند، نجاشی نیز از او دوری جسته و چیزی از او روایت نکرده است.^۴ نکته دیگر آن که - چنانکه محقق کتاب گفته است^۵ - با توجه به آن که تولد شیخ طوسی سال ۳۸۵ ق. بوده است و در گذشت احمد بن محمد بن عیاش سال ۴۰۱ ق. بعید به نظر می رسد که شیخ طوسی از او بدون واسطه روایت کرده باشد، چنانکه او خود به این امر چنین اشاره کرده است: «اخبرنا عنه جماعة من اصحابنا».^۶

۱ سید ابن طاووس سند این زیارت را مرسل و از شیخ طوسی به بعد نقل کرده است.

۲ علمای رجال نام صحیح او را چنین ضبط کرده اند: ابوعبدالله احمد بن محمد بن عبدالله بن حسن بن عیاش بن ابراهیم بن ایوب جوهری (ابوالعباس احمد بن علی نجاشی) (۴۱۶ ق.) فهرست أسماء مصنفی الشیعة، المشتبه بـ «رجال النجاشی»، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۵، ص ۸۵، شماره ۲۰۷؛ ابو جعفر محمد بن حسن شیخ طوسی (۴۱۷ ق.)، الفهرست، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاهة، چ ۱، ص ۷۹، شماره ۹۹.

۳ ابن مشهدی، المزار الکبیر، صص ۴۸۵ - ۴۸۶.

۴ نجاشی، همان، ص ۸۶، ش ۲۰۷. البته نجاشی از روی غفلت، به این امر پای بند نبوده است و برای نمونه، در ترجمه «حسین بن یسقطام» (ص ۳۹، شماره ۷۹) و «محمد بن سنان» (ص ۳۲۸، ش ۸۸۸) از ابن عیاش روایت کرده است.

۵ ابن مشهدی، همان، پاورقی ص ۴۸۶.

۶ شیخ طوسی (۴۱۵ ق.)، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۱، ص ۴۱۳، شماره ۵۹۸۳

اما دو نفر دیگر یعنی ابومیسور (ابومنصور) ابن عبدالمنعم بن نعمان بغدادی و محمد بن غالب اصفهانی مجهول هستند و با بررسی‌هایی که صورت گرفت، تنها در سلسله نقل این زیارت، از آن دو یاد شده است و محتمل است اساساً وجود تاریخی نداشته باشند.

افزون بر این، از زمان صدور روایت (۲۵۲ق.) تا در گذشت شیخ طوسی (م ۴۶۰ق.) یعنی بیش از دو بیست سال، تنها دو واسطه (یعنی محمد بن احمد بن عیاش و ابومیسور بن عبدالمنعم بغدادی) آن را نقل کرده‌اند که به طور طبیعی و عادی، ممکن نیست. از این رو برخی از محققان معاصر، سند این زیارت را ضعیف دانسته‌اند.^۱

همچنین با توجه به آن که شیخ طوسی در سلسله سند این زیارت قرار دارد، جای این پرسش وجود دارد که چرا او این زیارت را در آثار خود به ویژه در کتاب مصباح المتهجد نیآورده است؟ بنابراین به احتمال قوی این زیارت از غیر معصوم باشد و به نظر می‌رسد سخن یکی از محققان معاصر صائب باشد که گفته است: سازندگان این زیارت، آن را به امام^(ع) نسبت داده‌اند تا صفت قداست و اعتماد را در جان‌های مؤمنان به دست آورند. چنین نسبتی شیوه جاعلان حدیث در تمامی زمان‌هاست تا از این طریق، فرصتی برای انتشار نگاهشده‌های خود و پذیرش آن برای عموم فراهم آورده و بتوانند نظر دیگران را به نوشته‌های خویش جلب کنند.^۲

افزون بر این، بر اساس سند زیارت، موضوع درخواست ابن عبدالمنعم، زیارت امام حسین^(ع) و یاران شهید آن حضرت می‌باشد،^۳ در حالی که این زیارت تنها مربوط به شهدا است. البته ممکن است گفته شود که زیارت دوم ناحیه، همان زیارت امام حسین^(ع) است که محتمل است از آغاز زیارت نخست، حذف شده است و به صورت مستقل، آورده شده است. در پاسخ باید گفت که این احتمال بعید به نظر می‌رسد، چرا که زیارت نخست توسط محمد بن غالب از ناحیه مقدسه بیرون آمده است، اما زیارت دوم، سندی مستقل اما مرسل دارد و این چنین است: «مما خرج من

→

و قریب به این عبارت: شیخ طوسی، فهرست، ص ۸۰، شماره ۹۹.

۱ سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۴۱۳ق.)، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، تحقیق لجنة التحقیق، ج ۴، [بی‌جا]: [بی‌نا]: ج ۵، ص ۳۵۵ (ذیل نام «جبله بن علی») و ج ۹، ص ۳۴ (ذیل نام: «سالم») و ص ۷۷ (ذیل نام «سعد بن عبدالله»).

۲ محمد مهدی شمس‌الدین (۱۴۰۱ق.)، أنصار الحسین^(ع)، [بی‌جا]: الدار الاسلامیة، ج ۳، صص ۱۷۴-۱۷۵.

۳ حدیثی الشیخ الصالح ابومیسور ابن عبد المنعم بن نعمان المعادی قال: خرج من الناحیة سنة اثنتین وخمسین ومائتین إلیّ علی ید الشیخ محمد بن غالب الأصفهانی حین وفاة أبی، وکنت حدث السن، فکنت استأذن فی زیارة مولای أبی عبد الله و زیارة الشهداء - رضوان الله علیهم - فخرج إلیّ منه...

الناحیه الی احد الابواب» و روشن است که مقصود از «احد الابواب» در عرف متداول شیعه، چهار نایب خاص است که محمدبن غالب از آنان به حساب نمی‌آید.

مشکل زمان صدور این زیارت، یکی دیگر از مشکلات این زیارت است. تاریخ صدور آن در سال ۲۵۲ق. در عصر امامت امام هادی^(ع) است، در حالی که تولد امام دوازدهم^(عج)، سال ۲۵۵ق. یعنی سه سال پس از صدور زیارت است. این اشکال سبب شده است که اندیشمندی همانند علامه مجلسی برای رفع آن، دست به توجیهاتی بزند و احتمال دهد که تاریخ صدور زیارت، سال ۲۶۲ق. (به جای ۲۵۲ق.) بوده است و یا مقصود از «ناحیه»، ناحیه امام عسکری^(ع) پدر امام عصر^(ع) بوده است.^۳

اما احتمال نخست، ادعایی بی دلیل است، چرا که هیچ دلیلی برای اثبات صدور زیارت در سال ۲۶۲ق. وجود ندارد.

احتمال دوم نیز قابل پذیرش نیست، چرا که اولاً: تاریخ یاد شده مصادف با عصر امامت امام هادی^(ع) است و با توجه به آن که تاریخ وفات آن حضرت، سال ۲۵۴ق. بوده است،^۴ زیارت یاد شده باید از وی صادر شده باشد و مقصود از ناحیه، وی نیز باشد، در حالی که اطلاق ناحیه بر امام دهم^(ع) هیچ مستند روایی و یا تاریخی ندارد.

ثانیاً: اصطلاح «ناحیه» از مصطلحات خاص فرهنگ شیعه و تعبیر تقیه‌ای است که در باره امام عصر^(عج) استفاده می‌شده است، و گزارش نشده که این تعبیر در باره امام عسکری^(ع) استفاده می‌شده است، تا چه برسد در باره امام هادی^(ع)؛ چرا که در زیارت جامعه کبیره^۵ که تعابیر خلاف تقیه‌ای در آن بسیار است^۶ و از امام هادی^(ع) صادر شده، تعبیر «ناحیه» در باره آن

۱ ابن مشهدی، همان، ص ۴۹۶.

۲ محمدبن محمدبن نعمان (شیخ مفید) (۴۱۳ق.)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت^(ع)، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت^(ع) لإحياء التراث، ص ۳۴۵.

۳ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۷۴. محقق شوشتری نیز این احتمال را نقل کرده است (محمد تقی تستری (۱۴۲۸ق.)، قاموس الرجال، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲، ص ۵۲۳).

۴ شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۳۱۱.

۵ شیخ صدوق (۱۴۰۴ق.)، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: منشورات جماعة المدرسین، ج ۲، ص ۶۰۹-۶۱۸؛ شیخ صدوق (۱۴۰۴ق.)، عین اخبار الرضا^(ع)، صححه و قدم له و علق علیه حسین الاعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲، ص ۲۷۲-۲۷۸؛ شیخ طوسی (۱۳۶۴ش)، تهذیب الاحکام، تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی خراسان، ج

۶ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ص ۹۵-۱۰۲؛ ابن مشهدی، المنار الکبیر، ص ۵۲۳-۵۳۶.

۶ برای نمونه، در این تعابیر دقت شود: «إِبَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حَسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَ فَضْلُ الْخُطَابِ عِنْدَكُمْ وَ آيَاتُ اللَّهِ لِدِينِكُمْ وَ عَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ» و یا «مَنْ آتَاكُمْ فَقَدْ نَجَا وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ فَقَدْ هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَ عَلَيْهِ تَدْلُونَ وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ إِلَى سَبِيلِهِ

حضرت استفاده نشده است.

ب. بررسی متنی و محتوایی

اما در باره محتوا و متن این زیارت، تأملها و اشکالها ذیل را می‌توان بیان کرد:

۱. عمده مطالب توضیحی که در باره شهدا در این زیارت آمده است، همانند سخنان برخی از بنی‌هاشم و اصحاب امام حسین^(ع) و چگونگی به میدان رفتن و شهادت آنان، شباهت بسیاری با منقولات معتبر و کهن تاریخی دارد که این امر حاکی از آن است که بعید است این سخنان از معصوم^(ع) صادر شده باشد، چنانکه بیان رجز حضرت علی اکبر^(ع) و سخنان امام حسین^(ع) هنگام شهادت وی،^۲ گزارش لحظات پایانی زندگی حضرت قاسم و شیوه حضور امام حسین^(ع) بر بالین وی و سخنان آن حضرت،^۳ یا سخنان مسلم بن عوسجه،^۴ سعید بن عبدالله حنفی^۵ و بشیر بن عمرو حضرمی^۶ همان منقولات معتبر کهن است که به نظر می‌رسد سازنده این

→
تُرْشِدُونَ وَيَقُولُهُ تَحْكُمُونَ؛ سَعِدٌ وَاللَّهِ مِنْ وَالِائِكُمْ وَ هَلَكٌ مِنْ عَادَائِكُمْ وَ خَابَ مِنْ جَحْدِكُمْ وَ ذَلَّ مِنْ فَارِقِكُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ آمِنٌ مَنْ لَبَأَ إِلَيْكُمْ وَ سَلِمَ مَنْ صَدَقَكُمْ وَ هَدَىٰ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ، مِنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاوَةٌ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَنُوَةٌ وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَ مَنْ خَارَتَكُمْ مُشْرِكٌ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ ذَرْبٍ مِنَ الْجَحِيمِ» (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، صص ۶۱۲ - ۶۱۳؛ شیخ صدوق، عین أخبار الرضا، ج ۲، صص ۲۷۴ - ۲۷۵؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، صص ۹۷ - ۹۸؛ ابن مشهدی، همان، صص ۵۲۷ - ۵۲۹).

* چرا که با توجه به آن که معصومان استاد سخن و فن بیان بوده‌اند و سخنان آنان از بالاترین مراتب و درجات فصاحت و بلاغت، برخوردار بوده است، اساساً آنان نیازی به وام‌گیری از شیوه بیان دیگران نداشتند. با توجه به آن که این شیوه وام‌گیری، آنان را متهم به بهره‌گیری از سخنان و نگاشته‌های دیگران می‌کرده است.

۱ ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۴۸۷؛ سیدابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنه فیما یعمل مره فی السنه، ج ۳، ص ۷۳. مقایسه شود با گزارش ابوجعفر محمد بن جریر طبری (۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، ج ۵، بیروت: دارالتراث، ج ۲، ص ۴۴۶؛ ابوالفرج اصفهانی (۱۳۸۵ق)، مقاتل الطالبيين، تقدیم کاظم مظفر، قم: مؤسسه دارالکتاب، ص ۷۶.

۲ ابن مشهدی، همان، ص ۴۸۷؛ سیدابن طاووس، همان، ج ۲، ص ۷۳. مقایسه شود با گزارش طبری، همان، ج ۵، ص ۴۴۶؛ ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۷۶.

۳ ابن مشهدی، همان، ص ۴۹۰؛ سیدابن طاووس، همان، ج ۳، ص ۷۵. مقایسه شود با گزارش طبری، همان، ج ۵، ص ۴۴۷.

۴ ابن مشهدی، همان، صص ۴۹۱ - ۴۹۲؛ سیدابن طاووس، همان، ج ۳، ص ۷۶. مقایسه شود با گزارش طبری، همان، ج ۵، ص ۴۱۹.

۵ ابن مشهدی، همان، ص ۴۹۲؛ سیدابن طاووس، همان، ج ۳، ص ۷۷. مقایسه شود با گزارش طبری، همان، ج ۵، ص ۴۱۹.

۶ همان، ص ۴۹۳؛ سیدابن طاووس، همان، ج ۳، ص ۷۷. مقایسه شود با گزارش محمد بن سعد (۱۳۷۲ش)، ترجمه الامام الحسین^(ع) و مقتله (من القسم غیرالمطبوع من کتاب الطبقات الکبیر)، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: مؤسسه آل‌البتیت^(ع) لإحياء التراث، ص ۷۱) و به پیروی از او، ابن عساکر دمشقی (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق ←

زیارت نامه، با مطالعه و بررسی گزارش‌های منابع یاد شده و گزینش برخی از مطالب آن‌ها، متن این زیارت نامه را سامان داده است.

۲. براساس این زیارت، نخستین شهید از اصحاب امام حسین^(ع)، مسلم بن عوسجه دانسته شده است،^۱ در حالی که بر اساس گزارش معتبر طبری از ابومخنف، نخستین شهید، بُرَیْنِ خُضَیْر بوده است.^۲

۳. نام بردن و سلام فرستادن بر قیس بن مُسَهر که جزء شهدای کربلا و روز عاشورا به حساب نمی‌آید و در کربلا دفن نشده است، شاهد دیگری بر عدم صدور این زیارت از معصوم^(ع) است؛ با توجه به آن که در آغاز زیارت آمده است که هر زمان زیارت شهدا را اراده کردی این چنین کن و این چنین بگو.^۳

۴. نام برخی از شهدا همانند بُرَیْنِ خُضَیْر، یکی از اصحاب مشهور سیدالشهداء^(ع)، در این زیارت نامه نیامده است.

۵. در این زیارت نامه، یک بار بر «جون» و بار دیگر بر «جوین» سلام فرستاده شده است، در حالی که بر اساس منابع معتبر تاریخی این دو نام متعلق به یک نفر یعنی غلام ابوذر غفاری است.^۴

۶. ضبط غیر دقیق و یا نادرست نام برخی از اسامی همانند بشیر (یا بشر) بن عمر حضرمی به جای

→ علی شیری، ج ۱۴، بیروت: دارالفکر، ص ۱۸۲؛ نجم‌الدین محمد بن جعفر ابن نمای حلی (۱۳۶۹ق)، *مثیر الاحزان*، نجف: مطبعة الحیدریة، ص ۳۹؛ سیدابن طاووس (۳۸۳ش)، *الملهوف علی قتلی الطفوف*، تحقیق و تقدیم فارس تبریزیان (الحسّون)، [ابی‌جا: دارالاسوة، ص ۵۷]. البته بر اساس گزارش‌های یاد شده، گوینده این سخن، «محمد بن بشیر حضرمی» بوده است، که در این صورت این اشکال می‌شود که چگونه ممکن است معصوم سخنی را به کس دیگری نسبت داده باشد؟!.

۱ ابن‌مشهدی، همان، ص ۴۹۲؛ سیدابن طاووس، همان، ج ۳، ص ۷۶.

۲ طبری، همان، ج ۵، ص ۴۳۲.

۳ اذا اردت زیارة الشهداء (رضوان الله علیهم) فقف عند رجلی الحسین ... فاستقبل القبلة بوجهک فان هناك حومة الشهداء و اوم و اشر الی علی بن الحسین و قل ...

۴ البته فضیل ابن زبیر اسدی رستان کوفی (۱۴۰۶ق)، تسمیة من قتل مع الحسین^(ع) من ولده و إخوته و أهل بئته و شیعیته، تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، *فصلنامه تراثنا*، س ۱، ش ۲، ص ۱۵۳؛ شیخ طوسی، *رجال الطوسی*، همان، ص ۹۹؛ ابن‌مشهدی، *المزار الکبیر*، ص ۴۹۴) جوین را غیر از حوی یا جون دانسته و او را فردی دیگری غیر غلام ابوذر به حساب آورده‌اند که نادرست به نظر می‌رسد، چون به احتمال قوی، برخی از نساخ هنگام نسخه برداری، این نام را به دقت، ثبت و ضبط نکرده و دو نام به حساب آورده‌اند و به مرور زمان، این تفاوت ضبط به کتاب‌های بعدی سرایت کرده و گمان شده است که این نام‌ها، نام دو کس بوده است، در حالی که مقصود از جون، جوین و یا حوی یک نفر، یعنی غلام ابوذر است.

بشیر بن عمرو حضرمی،^۱ عمار بن حیّان بن شریح طائی به جای عامر (عمار) بن حسان بن شریح،^۲ زید بن حصین همدانی مشرقی به جای یزید بن عبدالله مشرقی،^۳ حجاج بن زید سعدی به جای حجاج بن بدر،^۴ حیّان بن حارث سلمانی به جای جابر^۵ و یا جناده،^۶ از موارد دیگر ضعف این زیارت می باشد.

۷. برخی از اسامی که در این زیارت از آن‌ها به نام شهدا یاد شده است، بر اساس برخی از نقل‌ها همانند زیارت منقول از سید ابن طاووس، نمی‌تواند تعبیر معصوم باشد، چنانکه بر اساس نقل یاد شده، تعبیر «وقیل: اسد بن مالک»^۷ در باره کشنده عبدالله بن مسلم بن عقیل معمول نیست از معصوم^(۸) صادر شده باشد.

۲. زیارت دوم ناحیه (زیارت ناحیه مشهور)

چنانکه نگاشته شد، ابن مشهدی این زیارت را پس از زیارت نخست آورده است^۸ و بدون ارائه هیچ سندی، تنها اشاره به صدور آن از ناحیه مقدسه کرده است.^۹ سپس سید ابن طاووس آن را در مصباح الزائر نقل کرده^{۱۰} و گفته است که این زیارتی است که [سید] مرتضی علم الهدی امام حسین^(ع) را با آن، زیارت کرده است.^{۱۱} اما مجلسی این زیارت را در دو جا آورده است: در یک جا آن را به نقل از مصباح الزائر سید ابن طاووس آورده است.^{۱۲} او پیش از نقل زیارت، گفته است که زیارت یاد شده ظاهراً تألیف سید مرتضی است،^{۱۳} اما پس از نقل آن، آن را از تألیفات شیخ

۱ فضیل بن زبیر، تسمیة من قتل مع الحسین^(ع) من ولده و إخوته و أهل بيته و شيعته، ص ۱۵۶؛ احمد بن یحیی بن جابر بلاندی (۱۷۴ق)، کتاب جمل من انساب الاشراف، ج ۳، بیروت: دار الفکر، ج ۱، ص ۴۰۴؛ طبری، همان، ج ۴، ص ۳۳۹.

۲ فضیل بن زبیر، همان، ص ۱۵۴؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۰۰، شماره ۲۵۰؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۲۲؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۷۹.

۳ فضیل بن زبیر، همان، ص ۱۵۶.

۴ فضیل بن زبیر، همان، ص ۱۵۳.

۵ طبری، همان، ج ۵، ص ۴۴۶.

۶ فضیل بن زبیر، همان، ص ۱۵۴.

۷ سید ابن طاووس، الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۷۶.

۸ ابن مشهدی، المزار الکبیر، صص ۴۹۶ - ۵۱۳.

۹ همان، ص ۴۹۶.

۱۰ ابن طاووس، مصباح الزائر، صص ۲۲۴ - ۲۴۴.

۱۱ همان، ص ۲۲۱.

۱۲ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، صص ۲۳۱ - ۲۴۹.

۱۳ همان، ج ۹۸، ص ۲۳۱.

مفید نیز دانسته است.^۱

وی در جای دیگر، این زیارت را از کتاب مزار شیخ مفید نقل کرده است^۲ که در نسخه‌های چاپی موجود، کتاب مزار شیخ مفید وجود ندارد^۳ و سپس اشاره به زیارت منقول در کتاب ابن‌مشهدی کرده است که همان متن زیارت مزار شیخ مفید است.^۴ مجلسی سپس اشاره به اختلاف بین این دو زیارت منقول از سید ابن طاووس و شیخ مفید کرده و ابتدا علت آن را اختلاف راویان دانسته است، اما در ادامه می‌گوید: «اظهر آن است که سید مرتضی این زیارت را گرفته و آنچه را خود خواسته، به آن افزوده است».^۵

این دو زیارت در اصل یکی است، چون همه زیارت نامه مزار شیخ مفید، در زیارت‌نامه مفصل مصباح الزائر با همان الفاظ و تعابیر آمده است. بنابراین چنانکه مجلسی گفت: متن مصباح الزائر سید ابن طاووس، توسعه یافته متن مزار منسوب به شیخ مفید است.

الف. بررسی سندی

چنان که گفته شد، این زیارت با تفاوت‌ها، کاستی‌ها و افزوده‌هایی که دارد، دو گونه روایت شده است: یکی زیارت منقول از مزار کبیر ابن‌مشهدی که احتمالاً همان زیارتی باشد که در مزار منسوب به شیخ مفید، آمده است و دیگری متنی که سید ابن طاووس آورده است و تفاوت‌ها و اضافاتی دارد و حتی - چنان که خواهیم گفت - در برخی موارد، دارای مطالب سستی است. اما از نظر اعتبار، این دو زیارت با آن که تفاوت‌هایی در نقل دارند، هر دو مشتمل بر بخشی^۶ هستند که به سبب تحریک احساسات عزاداران، معمولاً و عاظ و اهل منبر بر سر منابر به عنوان ذکر مصیبت می‌خوانند و به اعتبار این که آن را از امام عصر^(ع) می‌دانند، به عنوان یکی از

۱ همان، ج ۹۸، ص ۲۵۱.

۲ همان، ج ۹۸، ص ۳۱۷.

۳ البته در نسخه‌ای مخطوط منسوب به مزار شیخ مفید موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی (به شماره ۳۲۸۹) این زیارت وجود دارد (صص ۱۸۴-۲۰۵) که - چنانکه نگاشته شد - با مشاهده رونوشت آن نسخه، قدمت نسخه و صحت انتساب آن به شیخ مفید احراز نشد. افزون بر این، در آغاز شروع زیارت، هیچ گونه اشاره‌ای به صدور آن از سوی ناحیه مقدسه نشده است. آغاز زیارت این گونه است: «یاره آخری فی یوم عاشوراء بروایة آخری، اذا اردت ذلک زیارته بها فی هذا الیوم فقف...» ظاهراً مقصود مجلسی از مزار شیخ مفید همین اثر باشد که نسخه‌ای از آن را در اختیار داشته است.

۴ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸.

۵ همان، ج ۹۸، ص ۳۲۸.

۶ ابن‌مشهدی، المزار الکبیر، صص ۵۰۱-۵۰۵؛ مجلسی، همان، ج ۹۸، صص ۲۳۸-۲۴۱؛ صص ۳۲۰-۳۲۳.

گزارش‌های معتبر در بارهٔ چگونگی شهادت امام حسین^(ع) و مصائب پس از آن، تلقی کرده و به آن استشهاد می‌کنند.

اما در بارهٔ سند این زیارت، شایان توجه است که این زیارت سند متقنی ندارد و حتی بر اساس کهن‌ترین منبع برجای مانده نقل آن که مزارکبیر ابن‌مشهدی باشد، دربارهٔ سند آن تنها به این نکته اشاره شده است که زیارتی است که از سوی ناحیه مقدسه توسط یکی از باب‌ها، صادر شده است.^۱

البته ممکن است گفته شود که هرچند این زیارت مرسل است، اما بر اساس گفتهٔ ابن‌مشهدی در مقدمهٔ کتابش که گفته: «آنچه را (از ادعیه، آداب، مناجات و زیارات) آوردم از راویان موثق است که در نهایت به بزرگان [امت] متصل می‌شود»،^۲ این زیارت نیز معتبر باشد.

در پاسخ - چنانکه برخی از محققان گفته‌اند - باید گفت که ابن‌مشهدی از علمای متأخر است که نه اعتبار کتابش ثابت شده است و نه شخصیت و حال او روشن است. بنابراین توثیق‌های وی که بر اساس حدس و گمان است^۳ برای غیر معاصرانش معتبر نمی‌باشد.

ب. بررسی متنی و محتوایی

اما در بارهٔ متن و محتوای این زیارت، تأمل‌ها و اشکال‌های ذیل را می‌توان بیان کرد:

۱. تعبیر «و اسرع فرسک شاردأ و ...» که حاکی از زنده و سالم بودن اسب آن حضرت حتی پس از شهادت وی است، با گزارش معتبر و کهن تاریخی ابومخنف سازگاری ندارد. بر اساس گزارش وی، در همان ساعات نخستین نبرد روز عاشورا هنگام به میدان رفتن حربن‌یزید، همهٔ اسب‌های سپاه امام^(ع) (به جز اسب ضحاک بن قیس که در خیمه‌ای نگه‌داری می‌شد).^۴ بر اثر اصابت تیرهای گروه پانصد نفری از تیراندازان سپاه عمر سعد، پی شدند و امام^(ع) و سپاهش بی‌اسب شدند.^۵ بنابراین هر چند برخی گزارش‌ها حاکی از زنده و سالم بودن اسب امام^(ع) تا آخرین ساعات

۱ ابن‌مشهدی، همان، ص ۴۹۶.

۲ همان، ص ۲۷.

۳ سید ابوالقاسم موسوی خوئی، معجم رجال‌الحدیث، ج ۱، صص ۵۱-۵۲.

۴ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۴۴۵.

۵ طبری، همان، ج ۵، ص ۴۳۷؛ بلاذری، کتاب جمل من انساب الاشراف، ج ۳، صص ۴۰۱-۴۰۲.

نبرد روز عاشورا و حتی پس از شهادت آن حضرت است^۱، اما این گزارش‌های بدون سند، در برابر گزارش کهن، مسند و معتبر و مورد اعتماد ابومخنف توان تعارض و مقاومت ندارند.

۲. برخی از تعابیر در این زیارت، با صدور آن از جانب امام معصوم همخوانی ندارد. برای نمونه، وقتی چگونگی آگاهی اهل بیت امام حسین^(ع) از شهادت حضرت بیان می‌شود، این تعابیر وجود دارد که زنان اهل بیت^(س) در حالی که موی‌هایشان را پریشان کرده بودند (ناشرات الشعور) و لطمه بر صورت خود می‌زدند (علی الخدود لاطمات) از خیمه‌گاه بیرون آمدند!^۲ در حالی که اولاً چنین سخن ناصوابی را به امام معصوم^(ع) نمی‌توان نسبت داد. ثانیاً، این سخن با اعتقاد والا و ایمان و تقوای بالای زنان اهل‌بیت^(ع) به خدا که از ارتکاب چنین کار ناصوابی مبرا هستند، و نیز با مقام صبر و رضای آنان نسبت به امتحان و ابتلاء الهی، ناسازگار است،^۳ به ویژه آنکه در رأس آنان، بانویی همانند حضرت زینب^(س) باشد.^۴ ثالثاً این کارها (پریشان کردن موی سر و لطمه

۱ احمدبن ابی یعقوب بن جعفر (مشهور به یعقوبی)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دارصادر، ص ۲۴۵؛ ابن اعثم، کتاب الفتوح، ج ۵، صص ۱۱۶-۱۱۵ و صص ۱۱۸-۱۱۹؛ محمدبن علی بن الحسین (مشهور به صدوق) (۱۴۱۷ ق)، الامالی، تهران: مؤسسه البعثة، مجلس سی‌ام، ص ۲۲۶؛ خوارزمی، مقتل الحسین^(ع)، ج ۲، صص ۳۷-۳۸ و صص ۴۰ و ۴۲؛ سیدابن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۲۴.

۲ ابن‌مشهدی، همان، ص ۵۰۴؛ مجلسی، همان، ج ۹۸، صص ۲۴۰ و ۳۲۰. در نقل مصباح الزائر، تعبیر «للسعور ناشرات و للخدود لاطمات» آمده است (موسوعة زیارات المعصومین، ج ۳، ص ۳۴۹).

۳ بر این اساس، امام حسین^(ع) از اظهار بی‌تابی حضرت زینب در شب عاشورا به سبب آن که شنید که آن حضرت فردا شهید خواهد شد، نهی کرد (طبری، همان، ج ۵، صص ۴۲۰-۴۲۱).

۴ البته ممکن است گفته شود که تعبیر «ناشرات الشعور» و امثال آن دلالت بر پریشان کردن موها در مرثی و منظر عمومی ندارد و امثال این تعابیر را باید حمل بر پریشان کردن مو در زیر مقنعه و امثال آن کرد. در پاسخ به چنین توجیهی باید گفت: در برخی از حوادث تاریخی که سوگواری و عزاداری بانوان گزارش شده است، تعابیر «ناشرات الشعور» (عزالدين ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر ابی‌نا، الکامل فی التاریخ، ج ۸، بیروت: دارالکتب العربی، ص ۵۴۹ «ذیل حوادث سال ۳۵۲ هجری»، «ناشرات الشعور» ابوالفداء اسماعیل ابن کثیر دمشقی (۱۴۰۸ ق)، البدایة و النهایة، تحقیق و تعلیق علی شیری، ج ۱۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۲۴۳ «ذیل حوادث سال ۳۵۲ هجری») و «مستبات الشعور» ابن‌خلدون ابی‌نا، تاریخ بن‌خلدون، ج ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ص ۴۲۵. «ذیل حوادث سال ۳۵۱ هجری») آمده است که بعید به نظر می‌رسد مقصود گزارش‌گر از این تعابیر، آن باشد که بانوان هنگام سوگواری و نوحه سرایی در بازار و کوچه‌ها و خیابان‌ها، موهای خود را زیر مقنعه و امثال آن، پریشان کرده باشند. مؤید این سخن، خبری از ابن‌عباس در باره زنی است که نذر کرده بود سربرهنه حج به جا بیاورد. در خبر یاد شده، تعبیر «ناشره شعورها» آمده است که پیامبر اکرم^(ص) امر فرمود: سرش را بیوشاند: «مرّ النبی^(ص) بامرأة ناشرة شعورها، حافية، فأمرها النبی^(ص) أن تختمر، و تتعلم، ثم سئل ما شأنها؟ فقالوا: نذرت أن تمشی حافية ناشرة شعورها، فنهاها.» (عبدالرزاق بن همام صنعانی ابی‌نا، المصنف، تخریج و تعلیق حبیب‌الرحمان الاعظمی، ج ۸، ابی‌جا: منشورات المجلس العلمي، ص ۴۴۹؛ احمدبن محمدبن سلمه (۱۴۱۶ ق)، شرح معانی الاخبار، تصحیح و تحقیق محمد زهری النجار، ج ۳، ابی‌جا: دارالکتب العلمیة، ص ۱۳۱؛ سلیمان بن احمد طبرانی (۱۴۰۵ ق)، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید ←

زدن به صورت) و امثال آن، در ظاهر یک سنت و رسم جاهلی در میان زنان عرب بوده است که هنگام مرگ همسر و دیگر خویشان نزدیک، برای اظهار اندوه بسیار، انجام می‌دادند، از این رو این رفتار، دور از شأن اهل بیت^(ع) است که خود پیشوای مبارزه با سنت‌ها و رسوم جاهلی بودند. چنانکه در روایتی، حضرت زهرا^(س) پریشان کردن موی سر را گناه دانسته است^۱ و براساس سخنی از پیامبر اکرم^(ص): «از ما نیست کسی که لطمه به صورت زند و گریبان چاک زند.»^۲ همچنین بر اساس خبر دیگری از رسول خدا^(ص) این کارها حرام دانسته شده است.^۳

افزون بر این، تعابیر دیگری همانند «السَّلام علی النسوة البارزات»،^۴ «السَّلام علی غریب الغرباء»،^۵ «السَّلام علی ساکن کربلاء»،^۶ «السَّلام علی الائمة السادات»^۷ و «السَّلام علی الکیبر»^۸ و یا تعابیری همانند «فانی قصدتُ الیک و رجوتُ الفوز لَدیک»،^۹ «السَّلام علیک، سلامَّ العارف بحرمتک، المخلص فی ولایتک»،^{۱۰} «اللهم اکتبنی فی المسلمین و اَحِقِّنِی بالصالحین»،^{۱۱} «اللهم اعصمنی من الزلزل»،^{۱۲} «... و اقبل توبتی ... و اقلنی عثرتی ... و اغفر لی خطیئتی»،^{۱۳} «اللهم اغننی

→ السلفی، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۲۵۴؛ احمد بن حسین بیهقی [بی تا]، السنن الکبری، ج ۱۰، بیروت: دارالفکر، ص ۸۰. بدیهی است اگر آن زن موهایش را زیر مقنعه و امثال آن، پریشان کرده بود، دیگر نهی پیامبر^(ص) معنا نداشت.

۱ ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی (۱۳۸۹ق)، الروضة من الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، ج ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ج ۲، ص ۲۳۸.

۲ سلیمان بن داود طباطبائی، المسند، بیروت: دارالمعرفة، ص ۳۸؛ ابن ابی شیبہ کوفی (۱۴۰۹ق)، المصنف، ضبطه و علق علیه سعید اللحام، ج ۳، بیروت: دارالفکر، ص ۱۷۴؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۱، بیروت: دارصادر، ص ۳۸۶؛ محمد بن اسماعیل بخاری (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر، ج ۲، ص ۸۳ و ج ۴، ص ۱۶۰؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ص ۷۰؛ محمد بن جمال الدین مکی عاملی جزینی (۱۴۱۹ق)، ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، تحقیق مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ج ۲، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ص ۵۹.

۳ سلیمان بن اشعث سجستانی (۱۴۱۰ق)، سنن ابی داود، تحقیق و تعلیق سعید محمد اللحام، ج ۲، بیروت: دارالفکر، ج ۱، ص ۶۵؛ یحیی بن شرف نووی (۱۴۱۴ق)، الاذکار النوویة، بیروت: دارالفکر، صص ۱۴۷، ۶۵۲.

۴ ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۴۹۸.

۵ همان، ص ۴۹۷.

۶ همان، ص ۴۹۸.

۷ همان، ص ۴۹۸.

۸ همان، ص ۴۹۸.

۹ همان، ص ۵۰۰.

۱۰ همان، ص ۵۰۰.

۱۱ همان، ص ۵۰۷.

۱۲ همان، ص ۵۰۸.

۱۳ همان، ص ۵۰۸.

بحلالک عن الحرام»^۱ «طهرنی من الذنوب و الأوزار»^۲ و «واغفر لنا و لوالدینا»^۳ بعید به نظر می‌رسد که از امام معصوم^(ع) صادر شده باشد. همچنین برخی از تعابیر همانند «غریب الغرباء»، «ساکن کربلاء» و «الائمة السادات» با ادبیات و زبان مرسوم عصر معصوم چندان سنخیتی ندارد.

۳. برخی از تعابیر و مضامین به گونه‌ای در زیارت نامه تکرار شده است. چنانکه در یک جا تعبیر «السلام علی الاجساد العاریات»،^۴ در جای دیگر «السلام علی الابدان السلیبة»^۵ و در جای سوم، عبارت «السلام علی الاجسام العاریة فی القلوات»^۶ آمده است که چندان نمی‌توان توجیه درست و منطقی برای این گونه تکرار ارائه کرد، به ویژه آنکه با ویژگی فصاحت و بلاغت سخن صادر از معصوم، ناسازگار می‌باشد.

۴. با توجه به عدم تصریح منابع کهن معتبر در باره شیوه بریدن سر امام^(ع)، تعبیر «و الشمر جالس علی صدرک، مولعُ سیفِهِ علی نحرک» افزون بر آن که متفرد است، با برخی از نقل‌هایی که از امام سجاد^(ع)^۷ و حضرت زینب^۸ گزارش شده و نیز با گزارش برخی از منابع متأخر،^۹ که که حاکی از بریدن سر از ققاست، ناسازگار است.

۳. زیارت رجبیه

نخستین منبع موجود این زیارت، دو کتاب *اقبال الاعمال*^{۱۰} و *مصباح الزائر*^{۱۱} سید ابن طاووس است.

۱ همان، ص ۵۰۸.

۲ همان، ص ۵۰۹.

۳ همان، ص ۵۱۳.

۴ همان، ص ۴۹۸.

۵ همان، ص ۴۹۹.

۶ همان، ص ۵۰۰.

۷ امام سجاد^(ع) نیز در این باره، فرموده است: ... انا ابن‌المقتول ظلماً انا ابن‌المجزور الرأس من القفا ... (ابوجعفر محمد بن علی ابن‌شهر آشوب ۱۳۷۹ش)، *مناقب آل‌ابی‌طالب*، تحقیق یوسف البقاعی، ج ۴، ابی‌جا: انتشارات ذوی‌القربی «فست دارالاضواء»، ص ۱۸۲؛ مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۱۷۴.

۸ وصاحت زینب یا محمداه، صلی علیک ملیک السماء ... هذا ابنک مجزوز الرأس من القفا ... (خوارزمی ۱۴۱۸ق)، *مقتل الحسین^(ع)*، تحقیق محمد سماوی، ج ۲، قم: دارانوار الهدی، ص ۳۹؛ ابن‌شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۲۲؛ سیدابن‌طاووس، *المهلوف علی قتلی الطفوف*، ص ۱۸۱). افزون بر این در باره نقد و بررسی سند و متن این زیارت، ر. ک: نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (۱۳۷۹ش)، *نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری*، تهران: انتشارات کویر، ج ۲، صص ۳۸۸ - ۳۹۷.

۹ ... جاء الیه شمر بن ذی‌الجوشن و سنن بن انس ... ثم قال لسنن بن انس: احتر رأسه من القفا (خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۳۶).

۱۰ ابن‌طاووس، *الاقبال بالاعمال*، ج ۳، صص ۳۴۱ - ۳۴۷.

۱۱ ابن‌طاووس، *مصباح الزائر*، ص ۴۴۵.

همچنین در سده‌های بعدی برخی از اندیشمندان همانند محمدبن مکی عاملی جزینی، معروف به شهید اول (م ۷۸۶ق.) در کتاب *المزار*^۱ خود و نیز مجلسی آن را گزارش کرده‌اند.^۲

الف. بررسی سندی

سید ابن طاووس این زیارت را مرسله و بدون ارائه هیچ سندی نقل کرده است. بر این اساس برخی از رجال شناسان معاصر، سند این زیارت را ضعیف و غیر معتبر دانسته‌اند.^۳ بنابراین، این زیارت از اعتبار چندانی برخوردار نیست و نمی‌توان به اسامی یاد شده در آن استشهاد کرد، البته اگر برخی از نام‌هایی که در این زیارت آمده است، در منابع متقدم نیز موجود باشد، می‌توان به عنوان مؤید به آن‌ها استشهاد کرد، اما آن دسته از نام‌هایی که این زیارت در نقل آن‌ها متفرد است، از اعتبار لازم برخوردار نیستند.

ب. بررسی متنی و محتوایی

اما در باره متن و محتوای این زیارت باید گفت که در ضبط و درج برخی از اسامی در این زیارت، تصحیفات و اشتباهاتی رخ داده است که به هیچ‌رو نمی‌توان این زیارت را از امام معصوم دانست. در مجموع در باره این زیارت نیز اشکالها و تأمل‌های ذیل را می‌توان بیان کرد:

۱. احتساب «عقبه بن سیمان» غلام رباب از جمله شهدا^۴، با مسلمات تاریخی منافات دارد.^۵ چنانکه احتساب «سلیمان بن عوف حضرمی» و «جبله بن عبدالله» از شهدا،^۶ از اشتباهات فاحش سازنده و تدوین کننده این متن است. چرا که بر اساس منابع معتبر کهن، سلیمان بن عوف از سپاه دشمن و قاتل سلیمان، غلام امام حسین^(ع) بوده است^۷ و جبله در جریان قیام تواین، فرماندهی جناح

۱ محمدبن مکی عاملی جزینی (معروف به شهید اول) (۱۴۱۰ق.)، *المزار*، تحقیق مدرسه الامام المهدي^(ع)، قم: مؤسسه الامام المهدي، ج ۱، صص ۱۴۲ - ۱۵۴.

۲ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۹۸، صص ۳۲۶ - ۳۴۱؛ مؤسسه الامام الهادی (۱۳۸۳ش)، *موسوعة زیارات المعصومین*^(ع) (جلد سوم: زیارات الامام الحسین سیدالشهداء^(ع))، ج ۳، قم: مؤسسه الامام الهادی^(ع)، ج ۱، صص ۴۴۶ - ۴۸۵. مجلسی این زیارت را به نقل از سید ابن طاووس و مفید نقل کرده است (مجلسی، همان، ج ۹۸، صص ۳۲۶).

۳ سید ابوالقاسم موسوی خوئی، *معجم رجال الحديث*، ج ۹، ص ۷۷ (ذیل نام «سعد بن عبدالله»).

۴ سید ابن طاووس، *الاقبال بالاعمال*، ج ۳، صص ۳۴۴.

۵ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۴۱۰؛ ابوحنیفه احمد بن داود دینوری (۱۹۶۰م)، *الاخبار الطوال*، تحقیق عبدالعالم منعم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة، صص ۲۵۹؛ طبری، همان، ج ۵، صص ۴۵۴.

۶ سید ابن طاووس، همان، ج ۳، صص ۳۴۵.

۷ فضیل بن زبیر، تسمیة من قتل مع الحسین^(ع) من ولده و إخوته و أهل بیته و شیعتہ، ص ۱۵۲؛ محمد بن سعد، ترجمه

جناح راست سپاه ابن زیاد را عهده‌دار بوده است.^۱

۲. دو بار نام بردن از حُرَبِّ بن زیاد ریاحی^۲ و نام بردن و سلام کردن بر افرادی همانند قیس بن مُسَهَّر^۳ و عبدالله بن بَقَطَر^۴ که جزء شهدای کربلا و روز عاشورا به حساب نمی‌آیند و در کربلا دفن نشده‌اند، با توجه به آن که در این زیارت سلام فرستادن بر شهدای کربلا آمده است،^۵ از وجوه دیگر ضعف و عدم اعتماد به این زیارت است.

۳. ضبط برخی از اسامی شهدا از جمله، حَسَّان بن حارث به جای جابر^۶ و یا جناده،^۷ عمرو بن خلف و سعید غلام وی به جای عمرو (عمر) بن خالد صیداوی و سعد غلام وی،^۸ مُنْدَرِبِن مَفْضَل جَعْفی^۹ به جای بدر بن مغفل بن جعونة^{۱۰} از موارد دیگر ضعف این زیارت می‌باشد.

۴. درج نام برخی از افراد همانند حَمَّاد بن حماد مرادی، زهیر بن سیار، سلیمان بن سلیمان ازدی، ضبیع بن عمرو، عبدالرحمان بن یزید، عامر بن جلیده، عامر بن مالک، عثمان بن فروه غفاری، عمیر بن کَنَاد، غیلان بن عبدالرحمان، قاسم بن حارث کاهلی، قیس بن عبدالله همدانی، مسلم بن کَنَاد و منیع بن زیاد به عنوان شهدای کربلا در این زیارت، صدور این زیارت از معصوم را به شدت مورد تردید قرار می‌دهد. چرا که در هیچ یک از منابع معتبر کهن و حتی در منابع معاصر گزارش کننده این زیارت، نامی از افراد یاد شده به عنوان شهدای کربلا نیامده است.

→

- الامام الحسین^(ع) و مقتله، ص ۱۸۶؛ طبری، همان، ج ۵، ص ۴۶۹.
- ۱ طبری، همان، ج ۵، ص ۵۹۸؛ ابومحمداحمد بن علی ابن اعثم (۱۴۱۱ق)، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، ج ۶، بیروت: دارالاضواء، ص ۲۲۲؛ علی بن الحسین مسعودی (۱۴۲۱ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق سعید محمد لحام، ج ۳، بیروت: دارالفکر، ص ۹۴.
- ۲ سیدابن طاووس، مصباح الزائر، صص ۲۹۵ و ۲۹۸؛ محمد بن مکی عاملی جزینی، معروف به شهید اول، المزار، صص ۱۵۱، ۱۵۳. البته در نقل سید ابن طاووس در مصباح الزائر (ص ۲۹۵) و مجلسی در بحار الانوار (ج ۹۸، ص ۳۴۰) در بار نخست به جای «حر»، «جریر بن یزید ریاحی» آمده است.
- ۳ سیدابن طاووس، همان، ج ۳، ص ۳۴۵.
- ۴ همان، ج ۳، ص ۳۴۶.
- ۵ همان، ج ۳، ص ۳۴۴: ثم التفت فسلم علی الشهداء ...
- ۶ طبری، همان، ج ۵، ص ۴۴۶.
- ۷ فضیل بن زبیر، همان، ص ۱۵۴.
- ۸ فضیل بن زبیر، همان، ص ۱۵۵، بلاذری، همان، ج ۳، ص ۳۸۲. طبری، همان، ج ۵، ص ۴۴۶؛ ابن اعثم، همان، ج ۵، ص ۱۰۵؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۱۷؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۱۰.
- ۹ ابن طاووس، الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۳۴۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۴۰.
- ۱۰ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۴۰۵. البته برخی از محققان معاصر او را با یزید (یزید) بن معقل جعفی، یکی دانسته است (محمد مهدی شمس الدین، انصار الحسین^(ع)، ص ۱۶۰).

نتیجه گیری

از آنچه نگاشته شد می‌توان به این نتیجه رهنمون شد که در بارهٔ دو زیارت ناحیه، هر چند توثیق امثال ابن مشهدی، موجب اعتبار نسبی روایات این کتاب و از جمله این دو زیارت می‌شود، اما این توثیق به حدی نیست که این دو زیارت را بتوان به امام معصوم^(ع) نسبت داد. البته محتوای این دو متن تا جایی که با نصوص و گزارش‌های معتبر کهن تاریخی ناسازگاری نداشته باشد، به عنوان دو متن که از سدهٔ ششم بر جای مانده است، قابل اعتنا و توجه است. هر چند این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت برخی از منقولات و گفته‌هایی که در زمان تدوین این دو زیارت، در بارهٔ چگونگی شهادت امام حسین^(ع) و یارانش و واکنش اهل بیت^(ع) در برابر این مصیبت بزرگ در میان مردم آن دوران، مشهور و بر سر زبان‌ها بوده است، در شیوهٔ لحاظ و تنظیم محتوای دو زیارت، بی‌تأثیر نبوده است.

اما در بارهٔ زیارت رجیبه باید گفت: این زیارت نیز از اعتبار لازم برخوردار نیست و تنها به عنوان متنی که از سدهٔ هفتم به دست ما رسیده است، تا آن جا که با منقولات دیگر ناهمگون و ناسازگار نباشد، شایستهٔ توجه و اعتنا است.

منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم [بی‌تا]، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن اشعث سجستانی (۱۴۱۰ق)، سلیمان، *سنن ابی‌داود*، تحقیق و تعلیق سعید محمد لحام، بیروت: دارالفکر، چ ۱.
- ابن اعمش کوفی، ابو محمد احمد بن علی (۱۴۱۱ق)، *کتاب الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
- ابن خلدون [بی‌تا]، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن زبیر اسدی رستان کوفی، فضیل (۱۴۰۶ق)، *قسمیه من قتل مع الحسین^(ع) من ولده و إخوته و أهل بینه و شیعتہ*، تحقیق سید محمد رضا حسینی جلالی، - *فصلنامهٔ تراثنا*، س ۱، ش ۲.
- ابن سعد، محمد (۱۳۷۳ش)، *ترجمهٔ الامام الحسین^(ع) و مقتله (من القسم غیرالمطبوع من کتاب الطبقات الکبیر)*، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: مؤسسهٔ آل‌البتی^(ع) لإحیاء التراث.
- ابن سلمه‌الازدی، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، *شرح معانی الاخبار*، تصحیح و تحقیق محمد زهری النجار، [بی‌جا]: دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب، ابو جعفر محمد بن علی (۱۳۷۹ش)، *مناقب آل ابی‌طالب*، تحقیق یوسف البقاعی، [بی‌جا]: انتشارات ذوی‌القربی «افست دارالاضواء».

- ابن طاووس، سیدرضی‌الدین ابوالقاسم‌علی بن موسی بن جعفر (۱۴۱۴ق)، الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱.
- ----- (۱۳۸۳ش)، الملهوف علی قتلى الطفوف، تحقیق و تقدیم فارس تبریزیان (الحسون)، [بی‌جا]: دارالاسوة.
- ----- (۱۴۱۷ق)، مصباح الزائر، تحقیق مؤسسة آل‌البيت^(ع) لإحياء التراث، قم: مؤسسة آل‌البيت^(ع) لإحياء التراث، چ ۱.
- ابن‌عساکر دمشقی (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل (۱۴۰۸ق)، البدایة و النهایة، تحقیق و تعلیق علی شیری، بیروت: دارإحياء التراث العربی، چ ۱.
- ابن‌نماحلی، نجم‌الدین محمد بن جعفر (۱۳۶۹ق)، مثير الاحزان، نجف: مطبعة الحيدرية.
- ابوالفرج اصفهانی (۱۳۸۵ق)، مقاتل الطالبیین، تقدیم کاظم مظفر، قم: مؤسسة دارالکتاب.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ق)، کتاب جمل من انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر، چ ۱.
- بیهقی، احمد بن حسین [بی‌تا]، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر.
- تستری، محمد تقی (۱۴۲۸ق)، قاموس الرجال، تحقیق مؤسسة النشر الاسلامی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چ ۲.
- تهرانی (مشهور به «آقا بزرگ تهرانی»)، محسن بن علی (۱۴۰۳ق)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت: دارالاضواء، چ ۳.
- خوارزمی (۱۴۱۸ق)، مقتل الحسين^(ع)، تحقیق محمد سماوی، قم: دارانوار الہدی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۹۶۰م)، الاخبار الطوال، تحقیق عبدالعالم منعم، بیروت: دار إحياء الكتب العربية.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۷۹ش)، نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری، تهران: انتشارات کویر، چ ۲.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۶ق)، علل الشرايع، [بی‌جا]: مؤسسة دارالحجة للثقافة، چ ۱.
- ----- (۱۴۰۴ق)، عیون أخبار الرضا، صححه و قدم له و علق علیه حسین الاعلمی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- ----- (۱۴۰۴ق)، من لا یخضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: منشورات جماعة المدرسين.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام [بی‌تا]، المصنف، تخریج و تعلیق حبیب‌الرحمان الاعظمی، [بی‌جا]: منشورات المجلس العلمي.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۵ق)، المعجم الكبير، تحقیق حمدي عبدالمجيد السلفی، بیروت: دارإحياء التراث العربی، چ ۲.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم و الملوك، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، بیروت:

- دارالتراث، چ ٢.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (١٤١٧ق)، الفهرست، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، چ ١.
- (١٣٦٤ش)، تهذیب الاحکام، تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ٣.
- (١٤١٥ق)، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چ ١.
- عاملی جزینی (معروف به شهید اول)، محمد بن مکی (١٤١٠ق)، المزار، تحقیق مدرسه الامام المهدي^(ع)، قم: مؤسسه الامام المهدي، چ ١.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (١٣٨٩ق)، الروضة من الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ٢.
- مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار^(ع)، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمد مهدي شمس الدين (١٤٠١ق)، أنصار الحسين^(ع)، [بی جا]: دارالاسلامیه، چ ٢.
- مسعودی، علی بن الحسین (١٤٢١ق)، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق سعید محمد لحام، بیروت: دارالفکر.
- مشهدی، محمد بن جعفر (١٤١٩ق)، المزار الکبیر، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: نشر القیوم.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٣ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت^(ع)، قم: مؤسسه آل البيت^(ع) لإحياء التراث.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (١٤١٣ق)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، تحقیق لجنة التحقيق، [بی جا]: [بی نا]: چ ٥.
- مؤسسه الامام الهادی (١٣٨٣ش)، موسوعة زيارات المعصومين^(ع) (جلد سوم: زيارات الامام الحسين سيد الشهداء^(ع))، قم: مؤسسه الامام الهادی^(ع)، چ ١.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (١٤١٦ق)، فهرست أسماء مصنفي الشيعة، المشتهر بـ«رجال النجاشي»، تحقیق سید موسی شیرزی زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چ ٥.
- نوری، میرزا حسین (١٤١٥ق)، خاتمة مستدرک الوسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت^(ع) لإحياء التراث، قم: مؤسسه آل البيت^(ع) لإحياء التراث، چ ١.
- نووی دمشقی، یحیی بن شرف (١٤١٤ق)، الأذکار النوویة، بیروت: دارالفکر.
- (١٤١١ق)، ریاض الصالحین من حدیث سید المرسلین^(ع)، بیروت: دارالفکر المعاصر، چ ٢.